instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com
روزنامه شرق

گفت‌وگوی احمد غلامی با اکبر معصوم‌بیگی و داریوش رحمانیان درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

ترومـــای ۲۸ مرداد

امروز مصادف با ســالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اســت. روزی که تأثیری شــگرف بر روح و جان ایرانیان گذاشــته است. کودتا صرفا یک عملیات نظامی نیســت؛ کودتا به هویت مخالفان و منتقدان حمله می‌کند و برای سالیان سال امید و آرزوهای آنان را برای تغییر به شیوه قانونی از بین می‌برد. در کودتا دو اتفاق رخ می‌دهد؛ قدرتی قدرت خودش را تثبیت می‌کند یا قدرتی تازه بر سر کار می‌آید. اما در روز پســاکودتا، تأثیرات فراوانی ازجمله ترس، محاکمه و کشتار به وقوع می‌پیوندد که تبعات عینی کودتاســت. اما شکســت یک ملت و از بین رفتن اعتمادبه‌نفس و امید به آینده‌ای بهتر و بحران‌های اخلاقی و اجتماعی، اثراتی است که مثل خوره روح جامعه ایرانی را در انزوا می‌خورد. از این‌رو است که وقتی از کودتای ۲۸ مرداد سخن می‌گوییم، ناگزیر از ترومای کودتا سخن گفته می‌شود. در نشست «برخورد» ایــن هفته، اکبر معصوم‌بیگی و داریــوش رحمانیان به واکاوی ابعــاد کودتای ۲۸ مرداد پرداخته‌اند.

می‌خواهیم ابعاد مختلف کودتای ۲۸ مرداد را بررســی کنیم. آقای معصوم‌بیگی به نظر شما کودتای ۲۸ مرداد برای تاریخ معاصر ما چه درس‌هایی می‌تواند داشته باشد؟

اکبر معصوم‌بیگی: شاید یکی از بزرگ‌ترین درس‌ها که می‌تواند امروز پاسخ‌گوی ما باشد، اتفاقی است که ســبب شد نیروهای کودتاگر از ۲۴ و ۲۵ مرداد تا ۲۸ مرداد بتوانند بر این مملکت مسلط شوند. این کودتا نمی‌توانست موفق شود، اگر بین نیروهای ترقی‌خواه این میزان از شکاف و انشقاق نبود. می‌دانیم آن دوره بســیار آشفته اســت و ایران از عصر کاملا سیاهی و تاریکی دوره قاجار به در آمده و میزانی از ساختارها و نهادها را گرفته بدون اینکه این ساختارها و نهادها شکل واقعی و استواری داشته باشند و رسیده به یکی از بزرگ‌ترین وقایعی که می‌توانسته در حیات یک ملت اتفاق بیفتد که آن‌هم ملی‌شدن صنعت نفت بوده. چیزی که بسیار متنازع فیه بوده، نیروهای مختلف با هم درگیر بودند و این توفیق را پیدا کردند که بالاخره بر نیروهای ارتجاع و طرفدار استعمار پیروزی حاصل کنند، ولی واقعیت این است که این پیروزی دوام نداشت به دلیل تفرقی که بین نیروهای ترقی‌خواه بود. چه در سطح ندانم‌کاری‌ها، پیروی‌ها، تبعیت‌ها از نیروهای خارجی، چه در سطح ناتوانی در سازمان‌دهی توده‌ای برای پشتیبانی از دستاورد بزرگ ملی‌شدن صنعت نفت و تمام عناصری که شاید متعلق به دوره ماقبل این دوره است. نمی‌خواهم قضیه را در سطحی که الان خیلی تکیه می‌کنند یعنی مدرنیته و سنت بیاورم، ولی می‌گویم دوره‌ای است که هنوز آثارش به جا مانده، یعنی یک دوره برزخی که به قول آنتونیو گرامشی آن کهنه هنوز از بین نرفته، نو هم ســر برنیــاورده. دوره‌ای برزخی که در آن فترتی وجــود دارد که به نیروهای ارتجاعی فرصت می‌دهد از تفرق بین نیروها استفاده کنند و ضربه بزرگی را فرود بیاورند و دموکراسی ناقص و نوپا و یک‌سری سلسله نهادهایی را که می‌توانست شکل دموکراتیک بگیرد، به‌سادگی از بین

معاصر ایران یعنی از انقلاب مشــروطه، ما به نحوی در قرن نوزدهم به دوره مدرن پرتاب می‌شویم و ساختار مدرنی می‌آید، سرمایه‌داری جهانی می‌شود و ما را هم وارد سیکل می‌کند. من می‌توانم چندین حزب را نــام ببرم که باند نبودند. برای نمونه حزب توده ایران هیچ‌گونه خصوصیت باندی نداشــت. هرچند ممکن بود الگویش را از احزاب اروپایی گرفته باشد، اما حزبی نهادساز بود، سازمان زنان، جوان،

مصدق برســد. نوشته‌ها و سخنرانی‌هایش هم این را نشــان نمی‌شود که مفهوم نظری «باندزدگی» را به کار بگیریم. به عبا کلان‌روایتی شــود که بگوید ما فقط باندزدگی داشــتیم و اح می‌خواهد بگوید ما بر اســاس این مفهوم-نظریه، شاید بتوانی

مصدق و «سیزده ماه نحس» تا کودتا

پیکار مردم علیه مردم

شیما بهره‌مند

«ظاهر کار چنان می‌نمود که بازیگر پیر در شــطرنج سیاســت حریفان را شــه‌مات کرده و یک‌تنه از پس همه دشــمنان خود برآمده اســت. اما باطن امر چیز دیگری بود. مصدق در آن ایام تنهاتر از همیشــه بود»[1]. به روایت محمدعلی موحد، در آستانه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به نظر می‌رســید که مصدق بر مخالفان خود فائق آمده و آنان را سر جای خود نشانده است. مصدق مردم را فرخوانده بود، رفراندوم برگزار شده و نظر دولت درباره انحلال مجلس هفدهم تأیید شــده بود. با انحلال مجلس، نمایندگان مخالــف، مصونیت پارلمانی خود و تریبون آزاد برای حمله به دولت را از دســت داده بودند و دولت از این پس می‌توانست بی‌دغدغه خاطر، سیاست خود را دنبال کند. شواهد و قرائن نیز از گذار به دوران دیگری حکایت داشت: «اگرچه دولت نتوانسته بود گزارش هیئت هشت‌نفری را به تصویب برساند اما شاه گفته بود که مفاد آن را قبول دارد و عملا آن را به کار خواهد بست. شاه املاک سلطنتی را هم بر وفق نظر دکتر مصدق به دولت بازگردانیده بود. دادگاهی که به محاکمه مسئولان حمله به خانه نخست‌وزیر در ماجرای نهم اسفند ۱۳۳۱ می‌پرداخت، رأی به مجازات مجرمان صادر کرده بود. اما ماجرا

عطف

دکتر محمد مصدق: سرگذشت سیاسی

انقلاب نفتیِ مصدق

شرق: اگرچه ملی‌شدن صنعت نفت مهم‌تریــن سیاســتِ دکتــر محمد مصدق بود، اما هدف اصلی او بیش از همه استقلال ایران بود به شیوه‌ای که کشور بتواند در داخل و خارج روی پای خود بایستد. با این حال، به تعبیر فرهاد دیبا کانون تمرکز بخش مهمی از مبارزه برای استقلال مسئله نفت و مالکیــت نفــت و اســتخراجش در حکم صنعت ملی بود و از این نظر «خود مصدق در جایگاه پیشــاهنگِ یک انقــلاب نفتی به عرصه آمد، انقلابی که قرار بود دو دهه پس از برکناری او از قدرت به ســرانجام برسد». فرهاد دیبا در کتــاب «دکتر محمد مصدق: یک سرگذشــت سیاســی» روایتی از زندگی مصدق به‌دست می‌دهد که در آن برخلاف آنچه عمده مورخان غربی نوشــته‌اند، نفت نقش اساســی را ایفا نکرد، بلکه از نظر دیبا، سرسختی آرمان‌های او و ترتیب رویدادهای سیاســی کــه بی‌امــان او را بــه‌ســوی نخست‌وزیری سوق داد جایگاه مهم او را در طول پنجاه سال تاریخ ایران تثبیت کرد. با این

دکتر محمد مصدق
سرگذشت سیاسی
فرهاد دیبا
ترجمه شیرین کریمی
نشر نی

شیرازه

خرده‌تاریخ سرنگونی مصدق

اوباش و جاسوسان و فرصت‌طلبان

شرق: ۲۸ مــرداد ۱۳۳۲، گذشته‌ای اســت که هنوز به پایان نرســیده. زخمی اســت کــه گرچه چند دهــه از آن می‌گذرد اما همچنان تازه به نظر می‌رسد. تازگــی‌اش از جنس زنده نگه‌داشــتن یاد درگذشتگان یا درغلتیدن به حماسه‌سرایی برای ســقوط یــک دولت نیســت بلکه از جنس مسئله تاریخی اســت که هنوز این امــکان را دارد کــه لحظــه کنونی‌مان را بحرانــی کند. از این‌روســت کــه در میانه پرتلاطم‌ترین لحظات کنونی ما این مناقشه سر برمی‌آورد که اتفاق ۲۸ مرداد چه بود و چه باید نامیده شود؟

علی رهنما، کــه چندین پژوهــش ارزنده دربــاره برخی از مهم‌تریــن لحظات تاریخ معاصــر ایــران انجام داده، معتقد اســت که تاریخ‌نگاری دوره مصدق، چه رســد به تاریخ‌نگاری ســرنگونی او، درســت مانند اطلاعات ما از این دوره، در آغاز راه اســت: «رشد این طفل، به علت فضای سیاسی که

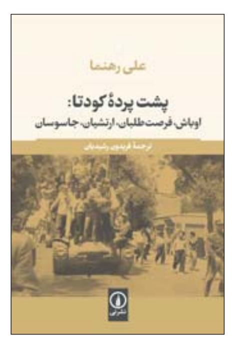

پشت پرده کودتا
علی رهنما
فریدون رشیدیان
نشر نی